University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514
Volume: 17 **Issue:** 42
Spring 2026

Article Type: Research Article **Pages:** 83-112

Approaches of Applying the Principle of Co-Decision-Making in the Prevention of Structural Corruption in Iranian and German Law

Seyed Mohamad Mahdi Sadati[1]| Rouhollah Shahnazi[2]

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz University, Iran (Corresponding Author) mahdi.sadati@shirazu.ac.ir
2. Professor, Department of Economics, Shiraz University, Iran rshahnazi@shirazu.ac.ir

Abstract

This study challenges the prevailing discourse on anti-corruption by providing a theoretical framework and argues that relying solely on transparency is not only an insufficient solution to the structurally entrenched corruption within Iran's political economy, but in the absence of reform mechanisms, it may also lead to populism or even exacerbate public distrust. To address this strategic gap, the article introduces and localizes a novel concept in the Iranian administrative law and political economy literature, termed the co-decision-making principle .Inspired by the advanced Mitbestimmung model in German law, this principle emphasizes systematic, mandatory participation with voting rights for all stakeholders-including civil society organizations, professional associations, independent monitors, and public sector representatives-in major economic decision-making processes. Using a comparative-critical approach and analyzing concrete cases such as the "Chay Dabash "and "Bank Ayandeh "files, this study demonstrates that the root causes of grand corruption lie in the monopolization of decision-making within closed circles of power and capital. As a structural solution, a multi-layered and sequential governance model is proposed, in which co-decision-making serves as the foundation for legitimacy and rationality, the obligation to provide reasons functions as a bridge for accountability, and transparency operates as the ultimate tool for social oversight-forming a mutually reinforcing chain. The study's final innovation lies in presenting concrete operational plans that combine balanced power to translate this theory into institutional engineering. The research concludes that effective anti-corruption efforts require a paradigm shift from information-centered governance to power-distribution governance, with co-decision-making representing the cornerstone of this historic transition.

Keywords: *Economic crime, transparency, structural corruption, kleptocracy, co-decision-making.*

Received: 2025/12/10 **Received in revised form:** 2026/04/30 **Accepted:** 2026/06/01 **Published:** 2026/06/10

DOI: 10.22034/Law.2026.70666.3573

Publisher: University of Tabriz law@tabrizu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۰۵۱۴-۲۸۲۱
دوره: ۱۷، شماره: ۴۲
بهار ۱۴۰۵

مطالعات حقوق تطبیقی معاصر

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۸۳-۱۱۲

رهیافت‌های به‌کارگیری اصل هم‌تصمیم‌سازی در پیشگیری از فساد ساختاری در حقوق ایران و آلمان

سید محمدمهدی ساداتی[۱] | روح‌اله شهنازی[۲]

۱. استادیار بخش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسئول) mahdi.sadati@shirazu.ac.ir
۲. استاد بخش اقتصاد، دانشگاه شیراز، ایران rshahnazi@shirazu.ac.ir

چکیده

نگارندگان این پژوهش با ارائهٔ یک چارچوب نظری، گفتمان رایج مبارزه با فساد را به‌چالش می‌کشند و استدلال می‌کنند که اتکای صرف به شفافیت، نه‌تنها راه‌حلی برای فساد ساختاری نهادینه‌شده در اقتصاد سیاسی ایران نیست، بلکه در غیاب سازوکارهای اصلاحی می‌تواند به عوام‌فریبی یا حتی توسعهٔ فساد بینجامد. در پاسخ به این شکاف راهبردی، در این مقاله، مفهومی نوین در ادبیات حقوق اداری ایران موسوم به اصل «هم‌تصمیم‌سازی» معرفی و بومی‌سازی می‌شود. این اصل با الهام از مدل پیشرفتهٔ میت‌بشتیمونگ[۱] در حقوق آلمان، بر مشارکت نظام‌مند، الزامی و دارای حق رأی کلیهٔ ذی‌نفعان (شامل نهادهای مدنی، اصناف، ناظران مستقل و نمایندگان بخش عمومی) در فرایندهای کلان تصمیم‌گیری اقتصادی تأکید دارد. با استفاده از یک رویکرد تطبیقی- انتقادی و تحلیل موارد عینی، همچون پرونده‌های «چای دبش» و «بانک آینده»، در این پژوهش نشان داده خواهد شد که ریشهٔ فسادهای کلان، در انحصار تصمیم‌گیریِ حلقه‌های بستهٔ قدرت و سرمایه است. به‌عنوان راه‌حلی ساختاری، یک مدل حکمرانی چندلایه و توالی‌مند پیشنهاد می‌شود که در آن، هم‌تصمیم‌سازی به‌عنوان بستر ایجاد مشروعیت و عقلانیت، الزام به بیان دلایل تصمیم‌گیری به‌عنوان پل پاسخگویی، و شفافیت به‌عنوان ابزار نهایی نظارت اجتماعی، در یک زنجیرهٔ تقویت‌کننده عمل می‌کنند. نوآوری نهایی مقاله، ارائهٔ طرح‌های عملیاتی مشخص با ترکیب قدرت متوازن برای تبدیل این نظریه به مهندسی نهادی است. نتیجهٔ پژوهش در مقالهٔ حاضر این است که مبارزهٔ مؤثر با فساد، نیازمند یک تغییر پارادایم از حکمرانی اطلاعات‌محور به حکمرانی توزیع‌محور قدرت است، و هم‌تصمیم‌سازی سنگ بنای این گذار تاریخی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: *جرم اقتصادی، حکمرانی مشارکتی، شفافیت، فساد ساختاری.*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۵/۰۲/۱۰ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

DOI: 10.22034/Law.2026.70666.3573

ناشر: دانشگاه تبریز law@tabrizu.ac.ir

CC BY NC

1. Mitbestimmung

مقدمه

وقوع جرایم اقتصادی به‌ویژه در کشورهای دارای ثروت‌های طبیعی فراوان مانند ایران، سرمایهٔ اجتماعی[۲] را به‌شدت کاهش داده است. لذا اگرچه مبارزه با جرایم اقتصادی در ایران، با عزم جدی در جریان است، لیکن گستردگی ابعاد فساد اقتصادی در ایران، مانع از تأثیربخشی جریان مبارزه با فساد شده است و آن را در حد نمایشی سیاسی، تنزل داده است. در عین حال، بخشی از سازمان اداری ایران دچار فساد ساختاری شده است که در این شرایط، راهبرد مبارزه با فساد باید به شکل اساسی تغییر یابد.

فساد اقتصادی ساختاری به نوعی از فساد اشاره دارد که به‌طور عمیق در نظام‌ها، نهادها و روابط اجتماعی یک جامعه ریشه دارد و محدود به اقدامات پراکنده افراد نیست. این شکل از فساد از سوی شبکه‌های قدرت، ضعف‌های نهادی و هنجارهای فرهنگی تقویت می‌شود و همین امر موجب پایداری و دشواری ریشه‌کنی آن می‌گردد[۳].

بر اساس این بینش، رشد اقتصادی کمتر از حد بهینه می‌تواند ناشی از فساد در ساختارها و ضعف نهادهای اقتصادی باشد؛ علاوه بر این، برخی اقتصاددانان فساد را نه به‌عنوان عامل مستقیم کاهش رشد اقتصادی، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از همان ضعف‌ها می‌بینند. لذا مشخص است که روندهای اقتصادی از جمله روند تصمیم‌گیری در امور اقتصادی می‌تواند سرمنشأ فساد باشد[۴].

در این شرایط، یکی از راهبردهای اساسی مبارزه با فساد ساختاری، مفهوم‌سازی در حوزهٔ مبارزه با فساد است. لذا نگارندگان این پژوهش، درصدد مفهوم‌سازی از یک راهبرد ضد فساد، تحت عنوان اصل هم‌تصمیم‌سازی[۵] هستند. اصل هم‌تصمیم‌سازی به فرایندی حقوقی- اجتماعی اشاره دارد که در آن تصمیم‌گیری با مشارکت تمام ذی‌نفعان[۶] مرتبط انجام می‌شود. این اصل بر

2. Social Capital
3. George T. Abed & Hamid R. Davoodi, *Corruption, Structural Reform, and Economic Performance in the Transition Economies*, (Washington, D.C.: International Monetary Fund, First edition, 2000), p. 3.
4. Philip Keefer, *A Review of the Political Economy of Governance: From Property Rights to Voice*, (Washington, D.C.: World Bank, First edition, 2004).

۵. به آلمانی:

Mitbestimmung or Mitentscheidung OR Mehr-Augen-Prinzip bzw. Kollektive Entscheidungsfindung

6. Stakeholders.

پایهٔ مشارکت فعال، توازن قدرت و شفافیت استوار است و هدف آن تضمین عدالت، انصاف و کارآمدی در نتایج تصمیم‌ها است.

ممکن است بیان شود که اصل هم‌تصمیم‌سازی[۷] و شفافیت، در واقع هریک، دو روی یک سکه هستند؛ لیکن در یک بررسی دقیق‌تر باید گفت که شفافیت به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، به‌تنهایی مانعی بر سر راه فساد اداری- اقتصادی نیست؛ چراکه اولاً فساد ساختاری مانعی برای شفافیت تصمیمات برای عموم جامعه است. ثانیاً لازمهٔ این امر، آن است که شفافیت همراه با مشارکت دادن تمامی ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها باشد که عملاً این امر محقق نشده است.

برای نمونه، چندی است که در ایران، موضوع امضاهای طلایی مطرح است. امضای طلایی، به معنای قدرت تصمیم‌گیری یک مدیر دولتی یا مدیر بخش عمومی بدون مشارکت دادن ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری است که می‌تواند میلیاردها تومان سود برای یک شخص حقیقی یا حقوقی به‌همراه داشته باشد. این امضا را طلایی می‌نامند، چراکه به اندازهٔ طلا ارزشمند است و بدون آن، کار انجام نمی‌شود و با آن، منافع زیادی ایجاد می‌شود. لذا اصل هم‌تصمیم‌سازی، نه به‌دنبال حذف فرصت‌های اقتصادی- سرمایه‌گذاری، بلکه در صدد تأمین حداکثر سود تمامی ذی‌نفعان است.

اصل هم‌تصمیم‌سازی در پیشگیری از جرایم اقتصادی پیچیده (مانند معاملهٔ محرمانه[۸]، تبانی در مناقصات[۹]، رشوه، پول‌شویی و...)، به این معناست که تصمیم‌گیری‌های مهم مالی و اقتصادی باید از سوی چند نهاد یا فرد مسئول و نظارت‌گر انجام شود تا از سوءاستفاده، تبانی و فساد جلوگیری گردد. این اصل یکی از ابزارهای ساختاری برای پیشگیری بنیادین[۱۰] از جرایم اقتصادی است.

با توجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی این پژوهش به قرار زیر است: چگونه می‌توان با بهره‌گیری از اصل هم‌تصمیم‌سازی، به پیشگیری از فساد ساختاری در نظام اداری ایران کمک کرد، و چه درس‌هایی می‌توان از مدل حقوقی- اداری آلمان در به‌کارگیری اصل هم‌تصمیم‌سازی گرفت؟

7 Codetermination.
8. Insider Trading
9. Bid Rigging
10. Structural Prevention

در خصوص پیشینهٔ این پژوهش باید گفت که علی‌رغم اهمیت موضوع، لیکن در مقالات فارسی تاکنون به‌طور مستقیم به این موضوع مدیریتی در مبارزه با فساد اداری، پرداخته نشده است.

ادبیات هم‌تصمیم‌سازی، یعنی نمایندگی کارگران در حاکمیت شرکتی، که گرچه به دلیل آثار آن بر رفتار شرکت، کارایی و مسئولیت اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته، اما ارتباط مستقیم آن با جرایم اقتصادی کمتر بررسی شده است. با این حال، پژوهش‌ها، بینش‌های مرتبطی در مورد چگونگی تأثیر هم‌تصمیم‌سازی بر شیوه‌های مدیریتی و یکپارچگی سازمانی ارائه می‌دهند.

پژوهش حاضر در قالب شش بخش اصلی سامان یافته است. نخست، پیشینه و مبانی نظری موضوع بررسی‌شده تا چارچوب مفهومی لازم برای تحلیل‌های بعدی فراهم آید. سپس در بخش دوم، رابطهٔ میان تصمیم‌سازی و فساد در نظریه‌های حکمرانی واکاوی گردیده تا مبنای نظری پیوند میان مشارکت و کاهش فساد تبیین شود. بخش سوم به معرفی اصل هم‌تصمیم‌سازی در حقوق آلمان اختصاص دارد. در بخش چهارم، جلوه‌های تأثیرگذاری تقنینی این اصل در حقوق آلمان و ایران، ازجمله بازتاب آن در قانون اساسی آلمان، به‌صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. بخش پنجم، سازوکارهای پیاده‌سازی اصل هم‌تصمیم‌سازی را در رویه و عمل تحلیل می‌کند و بخش ششم به چالش‌های ساختاری فراروی اجرای این اصل می‌پردازد. در پایان، رهیافت‌های علمی جهت به‌کارگیری این اصل در پیشگیری از فساد ساختاری در نظام حقوقی ایران، ارائه شده است.

۱. پیشینه و مبانی نظری

از یک طرف، تداوم و تشدید فساد اقتصادی در ایران گواهی بر ناکارآمدی راهبردهای قدیمی ضدفساد ازجمله شفافیت بوده، بر مفهوم‌سازی ادبیات ضدفساد تأکید دارد؛ ادبیاتی که باید بیش از پیش بر حکمرانی مشارکتی به‌منظور ایجاد مشروعیت پایدار، استوار باشد. لذا مبانی نظری این پژوهش در سه بخش، ارائه می‌شود:

۱.۱. لزوم مفهوم‌سازی ادبیات ضدفساد

نیکولاس باوتیستا[11] در مقالهٔ خود بر ضرورت تنوع روش‌شناختی، مناظره‌های نظری و همکاری میان‌رشته‌ای در سیاست‌گذاری ضدفساد تأکید می‌کند[12]. از لحاظ ادبیات مبارزه با فساد، مفهوم‌سازی در این حوزه، همچنان ضعیف است. مفاهیمی مانند فساد قانونی، سرمایه‌داری رفاقتی[13] و ... چندی است که وارد ادبیات ضدفساد شده است. در این راستا، اصل هم‌تصمیم‌سازی به‌عنوان یک مفهوم حقوق اداری در حقوق آلمان، از این ظرفیت برخوردار است که در جایگاه راهبرد ضدفساد، بازمعنا شده، به‌عنوان مکمل راهبرد شفافیت، به پیشگیری اجتماع‌محور از فساد، کمک نماید.

یکی از خلأهای مهم مبارزه با فساد، سیاست‌گذاری پیشگیری از فساد اداری- اقتصادی است. در قانون اساسی ایران، پیشگیری از جرم، وظیفهٔ قوهٔ قضاییه دانسته شده، درحالی که این مأموریت اجرایی بوده و قوهٔ مجریه است که دارای اختیارات لازم و اساسی برای پیشگیری از جرم است. لذا قانون اساسی در سیاست‌گذاری پیشگیری از فساد، راهبرد ناکارآمدی ارائه کرده است. توضیح آنکه نهادگرایان در علم اقتصاد، بر تأثیر مستقیم نهادسازی بر بهینه کردن روند اقتصادی، تأکید دارند[14]. بنابراین، از دید نهادگرایی نیز گذاشتن وظیفهٔ اجرایی پیشگیری از فساد بر عهدهٔ یک نهاد قضایی، بن‌بستی در سیاست‌گذاری پیشگیری از فساد است.

۲.۱. سیاست جنایی مشارکتی و پیشگیری از فساد ساختاری

ناکامی پاسخ‌های صرفاً دولتی به پدیده‌های مجرمانه[15] و افزایش جرایم اقتصادی، توجه به سیاست جنایی مشارکتی را ضروری ساخته است[16]. مطالعات انجام‌گرفته نیز تأثیر مشارکت

11. Nicholas Bautista

12. Nicholas Bautista-Beauchesne and César Garzon, "Conceptualizing Corruption Prevention: A Systematic Literature Review". *Journal of Financial Crime*, 26 (2019), p. 719–745.

13. Rouhollah Shahnazi, Neda Jamshidi, & Majid Shafiei, "Investigating the Effects of Crony Capitalism on Energy Intensity Through the PQARDL Approach". *Journal of Cleaner Production*, 509 (2025), p. 1.

۱۴. محمدجواد شریف‌زاده، *حقوق و اقتصاد در اسلام*، (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱)، ص ۵۳-۵۹.

۱۵. عبدالملک وحیدی و همکاران، «مبانی و جلوه‌های قرآنی سیاست جنایی مشارکتی»، *پژوهش حقوق کیفری*، ش ۳۴ (۱۴۰۰)، ص ۳۱.

۱۶. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها، دیباچه در: دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمهٔ علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۴۰۲)، ص ۴۵

مردمی را بر پیشگیری از جرایم اقتصادی، معنادار ارزیابی کرده است[۱۷].

از طرف دیگر، جامعه‌گرایی یا سوسیالیزم حاکم بر آلمان که به‌عنوان رکن بنیادین اندیشهٔ سیاسی شناخته می‌شود، همچنان‌که اندیشمندانی مانند ژرژ پیکا[۱۸] اشاره کرده‌اند، با تغییر ارزش‌های جوامع مدرن، افول یافته است[۱۹].

لذا در این میان، اصل هم‌تصمیم‌سازی که برگردان «مشارکت ذی‌نفعان در فرایندهای تصمیم‌گیری عمومی» است، تأثیر مهمی در احیای سیاست جنایی مشارکتی[۲۰] در پیشگیری از فساد خواهد داشت.

۳.۱. ناکارآمدی شفافیت

اگر فساد به‌عنوان یک معضلِ کنش جمعی درنظر گرفته شود، جایی که رفتار افراد بر اساس انتظارات از رفتار دیگران شکل می‌گیرد، شیوع فساد به‌طور اساسی به این متغیر وابسته است که افراد تا چه حد دیگران را فاسد تصور کنند. از این رو، شفافیت ممکن است به تشویق فساد بینجامد؛ زیرا اگر در یک نظام حکمرانی، این تصور شکل گیرد که «همه» فاسد هستند، انگیزه برای صداقت از میان خواهد رفت[۲۱].

لذا به‌جای آنکه شفافیت به‌عنوان راهکاری قطعی برای بهبود حکمرانی و کاهش فرصت‌های ارتکاب جرایم اقتصادی معرفی شود[۲۲]، مطالعات رقیب تأکید می‌کند که شفافیت به‌طور خودکار، منافعی را که انتظار می‌رود، به‌همراه ندارد. در واقع، چندین پژوهش به پیامدهای منفی احتمالی افزایش شفافیت بر فرایند تصمیم‌گیری اشاره کرده‌اند. برای نمونه، اگر شفافیت به قصد

۱۷. مهرداد غنی و همکاران، «تحلیل نقش دولت و حاکمیت؛ جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی»، *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ش ۸ (۱۴۰۴)، ص ۱۹.

18. Georges Picca

۱۹. ژرژ پیکا، *جرم‌شناسی*، ترجمهٔ علی‌حسین نجفی ابرندابادی، (تهران، میزان، چ ۳، ۱۳۹۳)، ص ۶۶.

۲۰. برای مطالعهٔ بیشتر، نک: علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیباچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمهٔ علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: نشر میزان، چ ۱۱، ۱۴۰۴)، ص ۱۶-۲۲.

21. Monika Bauhr & Naghmeh Nasiritousi, "Resisting Transparency: Corruption, Legitimacy, and the Quality of Global Environmental Policies". *Global Environmental Politics*, 12 (2012), p. 13.

22. David Stasavage, "Open-Door or Closed-Door? Transparency in Domestic and International Bargaining". *International Organization*, 58 (2004), p. 672.

عوام‌فریبی یا نمایش باشد[۲۳] یا با اهداف سیاسی و جهت ضربه زدن به رقیب سیاسی دنبال شود، ممکن است کیفیت تصمیم‌ها آسیب ببیند[۲۴]. جاکوبسون و ویفل در مطالعهٔ خود دربارهٔ نهادهای اتحادیهٔ اروپا به نتیجهٔ مشابهی رسیده‌اند: «هرچه محفل بسته‌تر باشد، بحث‌ها در آن بازتر است»[۲۵]؛ بنابراین، شفافیت می‌تواند مانعی برای تصمیم‌گیری مطلوب باشد، اگر مقامات به دلیل نگرانی از برداشت شهروندان نسبت به اقداماتشان، از گفت‌وگوی آزادانه بازمانند[۲۶].

٤.١. ایجاد مشروعیت پایدار در پرتو حکمرانی مشارکتی[۲۷]

واخس و همکاران نیز در مقاله‌ای با عنوان «سرمایهٔ اجتماعی ریسک فساد را در شهرها پیش‌بینی می‌کند» به این یافته رسیده‌اند که تنوع باعث تسهیل بی‌طرفی در زندگی عمومی شده، فساد را مهار می‌کند[۲۸].

لذا مدل‌های مشترک تصمیم‌گیری[۲۹] به غنای تصمیمات کمک می‌کنند و مشروعیت و پایداری آن‌ها را افزایش می‌دهند[۳۰]. در حکومت‌های دموکراتیک و مردم‌سالار، در صورتی که مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها وجود نداشته باشد، تصمیمات اداری از پشتوانهٔ اجرایی برخوردار نخواهد بود. برای نمونه، دو تصمیم مهم اقتصادی در مبارزه با فساد یعنی الزام به ثبت و شفاف‌سازی چک‌ها در سامانهٔ صیاد و همین طور سیاست حذف ارز ترجیحی و مبارزه با رانت

23. Mark Fenster, "The Opacity of Transparency". *Iowa Law Review,* 91 (2006), p. 885. / David Heald, "Fiscal Transparency: Concepts, Measurement and UK Practice". *Public Administration,* 81 (2003), p. 723. / MacCoun, R. J., "Psychological Constraints on Transparency in Legal and Government Decision-Making". *Swiss Political Science Review,* 12 (2006), p. 112.
24. Kerstin Jacobsson & Åsa Vifell, "Integration by Deliberation? On the Role of Committees in the Open Method of Coordination", in *The Forging of Deliberative Supranationalism in the EU,* (Florence: European University Institute, First edition, 2003), p. 25.
25. *Ibid*. p. 14.
26. Legitimacy and Durability of Decisions
27. Johannes Wachs, Taha Yasseri, Balázs Lengyel & János Kertész, "Social Capital Predicts Corruption Risk in Towns", *Royal Society Open Science,* 6 (2019), p. 182103.
28. Co-Governance, or Shared Decision Making.
29. Carwyn Jones, "Co-Governance and the Case for Shared Decision Making", *Policy Quarterly,* 19 (2023), p. 3.
30. Mehmet Bac, "Corruption, Connections and Transparency: Does a Better Screen Imply a Better Scene?". *Public Choice,* 107 (2001), p. 87. /Catharina Lindstedt and Daniel Naurin, "Transparency is Not Enough: Making Transparency Effective in Reducing Corruption". *International Political Science Review,* 31 (2010), p. 301. / Benjamin A. Olken, "Monitoring Corruption: Evidence from a Field Experiment in Indonesia". *Journal of Political Economy,* 115 (2007), p. 200.

ارزی، به دلیل عدم مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌ها، با مقاومت اجتماعی روبرو شده و حتی به ناآرامی‌های گسترده منجر گشته است

لذا مشروعیت پایدار تصمیمات ضدفساد و قابل اجرا بودن آن در گرو مشارکت دادن مردم در فرایند تصمیم‌گیری به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی- اداری است.

۲. ارتباط میان تصمیم‌سازی و فساد در نظریه‌های حکمرانی

یکی از وظایف اصلی حکمران در نظام اقتصادی، توزیع رانت است که این توزیع باید بر اساس تصمیم‌گیری‌های حکومتی باشد. لذا تصمیم‌گیری منطقی، از لوازم انکارناپذیر حکمرانی ضدفساد است. اگر تصمیم‌گیری منطقی بر نظام حکمرانی مستولی نباشد، تصمیم‌گیری‌های شخصی که قطعاً بر منافع شخصی یا گروهی یا خانوادگی مدیران دولتی حاکم است، جایگزین خواهد شد و همین امر زمینهٔ فساد سیستمی را فراهم خواهد کرد.

لذا اینکه نظریه‌پردازان ضدفساد، بیش از حد بر مقوله شفافیت تأکید می‌کنند به‌نوعی به بیراهه بردن راهبردهای ضدفساد است. شفافیت اگر با تصمیمات غیرمنطقی یا رانتی همراه شود، بدون آنکه سازوکار سریع و قانونی ابطال این تصمیمات فراهم شده باشد، راه به جایی نخواهد برد.

حتی برخی معتقدند شفافیت می‌تواند فساد را افزایش دهد؛ با این توضیح که در صورت فقدان پشتیبانی کافی از یک نظام حکمرانی مطلوب، شفافیت ممکن است خود به افزایش فساد منجر شود. برای آنکه شفافیت در برابر فساد کارآمد باشد، صرفِ کشف سوءاستفاده‌ها کافی نخواهد بود[۳۱].

بنابراین، صرفِ برجسته‌سازی تقلب بدون افزایش خطر مواجهه با تحریم‌ها، ممکن است به‌جای کاهش، انگیزهٔ افراد برای فریب دادن نظام را بیشتر کند. از این رو، کیفیت تصمیم‌گیری در سازمان اهمیت محوری دارد تا شفافیت بتواند به کاهش فساد و تقلب کمک کرده، یکپارچگی نهادهای حکمرانی را حفظ نماید. افزایش فساد می‌تواند به ایجاد رابطه‌ای خصمانه میان رسانه‌ها

31. Lucero Fragoso Lugo, “Citizen Responsibility for Structural Corruption”, Problema. Anuario de Filosofía y Teoría del Derecho, 2023.

و مقامات دولتی هم منجر شود و سطح اعتماد میان آن دو را کاهش دهد؛ امری که خود می‌تواند به مانعی در برابر حمایت و نهادینه‌سازی شفافیت بدل گردد

همچنان که در ایران در پرتو اصول شفافیت، ابربدهکاران بانکی هرساله از طریق دستگاه‌های نظارتی اعلام می‌شوند، اما فرایند وام‌دهی به آنان یا سازوکارهای استرداد وام‌های داده‌شده، که همگی تصمیماتی مربوط به مدیران است، غیرقابل ابطال بوده، ادامه نیز می‌یابد. برای نمونه، ادامهٔ فعالیت بانک آینده بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی، خلاف قوانین و مقررات بانکی بوده است. لیکن علی‌رغم شفافیت عملکردی این بانک، هیچ تصمیمی جهت حفاظت از منافع عمومی از سوی مدیران تصمیم‌گیر بانک مرکزی تا آبان ۱۴۰۴ اتخاذ نشد.

لذا به‌نظر می‌رسد تأکید بر شفافیت به‌عنوان یک راهبرد مبارزه با فساد، بیشتر از آنکه از صداقت و خلوص مبارزه‌کنندگان با فساد حکایت کند، به‌نوعی یک تدبیر در جهت عوام‌گرایی کیفری و اقناع افکار عمومی جهت مبارزه با فساد است. لذا تأکید نگارندگان این مقاله به‌عنوان نظریهٔ مکمل نظریهٔ شفافیت در مبارزه با فساد، حاکمیت نظام تصمیم‌گیری منطقی در پرتو اصل هم‌تصمیم‌سازی است.

باید توجه داشت که فساد ساختاری صرفاً مجموعه‌ای از اقدامات فردی نیست، بلکه پدیده‌ای نظام‌مند است که در روابط میان دولت، شهروندان و نهادها ریشه دارد. این نوع فساد از طریق رویه‌های روزمره، عدم توازن قدرت و رفتارهای نهادینه‌شده‌ای که رشوه‌خواری، جانب‌داری و سوءاستفاده از قدرت را عادی‌سازی می‌کنند، تداوم می‌یابد. این ساختارها از طریق قواعد رسمی و غیررسمی تقویت شده، اغلب بخشی از بافت اجتماعی می‌گردند، به‌گونه‌ای که اصلاحات اخلاقی فردی[۳۲] بدون تغییرات ساختاری گسترده کافی نخواهد بود[۳۳].

لذا فساد اداری را شاید بتوان ترجمان دیگر بی‌منطقی در تصمیم‌گیری دانست که این امر جریان ثروت‌سازی و توزیع ثروت و رانت در جامعه را نیز بی‌منطق می‌کند. اصولاً فساد اقتصادی– اداری، هم یک معلول است و هم علت. آنومی اجتماعی– فرهنگی، هم علت وقوع

32. Joseph Lapalombara, "Structural and Institutional Aspects of Corruption". *Social Research*, 61 (1994), p. 325.
33. Nicholas Bautista-Beauchesne and César Garzon, "Conceptualizing Corruption Prevention: A Systematic Literature Review". *Journal of Financial Crime*, 26 (2019), p. 719.

فساد اقتصادی است و هم فساد اقتصادی- اداری بر این آنومی اجتماعی- فرهنگی تأثیرگذرا است. لذا نباید فساد اقتصادی را به‌تنهایی و به‌عنوان یک پارادایم در زوال مقبولیت حاکمیت بدون توجه به تأثیر و تأثر آن بر سایر پارادایم‌های حاکم بر جامعه لحاظ نمود.

از این رو، در یک نظام منطقی تصمیم‌گیری، اصل هم‌تصمیم‌سازی که به معنای مشارکت تمامی ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری است، نقش بی‌بدیلی در پیشگیری از فساد ساختاری خواهد داشت.

اصل هم‌تصمیم‌سازی می‌تواند در پیشگیری از فساد اقتصادی نقش مؤثری ایفا کند. در اینجا به توضیح چگونگی تأثیر این اصل بر کاهش فساد اقتصادی پرداخته می‌شود:

۱- افزایش شفافیت: مشارکت ذی‌نفعان مختلف در فرایندهای تصمیم‌گیری می‌تواند به افزایش شفافیت در موضوعات اقتصادی و اداری بینجامد. وقتی افراد و گروه‌های متعددی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت دارند، احتمال سوءاستفاده و فساد کاهش می‌یابد.

۲- کنترل و نظارت بهتر: در سازمان‌ها و نهادهایی که اصل هم‌تصمیم‌سازی اعمال می‌شود، به دلیل وجود نماینده‌های مختلف، نظارت و کنترل بر عملکرد مدیران و کارمندان بیشتر خواهد بود. این نظارت مستمر می‌تواند از بروز تخلفات و فساد جلوگیری کند.

۳- تقویت قانون‌مداری: در فضایی که افراد مختلف بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند، فرهنگ قانون‌مداری و احترام به مقررات تقویت می‌شود. این امر می‌تواند به جلوگیری از فساد اقتصادی و تخلفات اداری کمک کند.

۴- ارتقای اعتماد عمومی: وقتی مردم احساس کنند که در فرایندهای تصمیم‌گیری، مشارکت تأثیرگذار دارند، اعتمادشان به نهادها و دولت افزایش می‌یابد. این اعتماد می‌تواند باعث شود مردم به بررسی و کنترل اقدامات نهادها و سازمان‌ها بپردازند و از بروز فساد جلوگیری کنند.

۵- تشویق به مسئولیت‌پذیری: با مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی، افراد به مسئولیت‌پذیری بیشتری ترغیب می‌شوند. این مسئولیت‌پذیری می‌تواند به کاهش ناهنجاری‌ها و رفتارهای غیرقانونی بینجامد.

۶- آگاهی و آموزش: قوانین و مقرراتی که اصل هم‌تصمیم‌سازی را تشویق می‌کنند، می‌توانند به آموزش و آگاهی ذی‌نفعان در زمینهٔ فساد و پیامدهای آن یاری رسانند. هرچه افراد بیشتری با خطرهای فساد آشنا شوند، احتمال بروز فساد کاهش می‌یابد.

در حقوق آلمان دو نظریه در خصوص تصمیم‌سازی وجود دارد: یکی اصل هم‌تصمیم‌سازی است که بر مشارکت تمامی ذی‌نفعان در تصمیم‌سازی تأکید می‌کند و اصل دیگر، تصمیم‌سازی مشترک است که بر تعدد مقامات تصمیم‌گیر به‌ویژه در مناقصات و مزایده‌های دولتی، تصریح دارد.

۳. مبانی اصل هم‌تصمیم‌سازی

هم‌تصمیم‌سازی در حقوق آلمان نخستین بار در قالب مشارکت کارگران در ادارهٔ شرکت‌ها بروز کرد. در شرکت‌های آلمانی زمانی که استراتژی غالب، مذاکره است، این امر به افزایش سود می‌انجامد. هم‌تصمیم‌سازی، از طریق تعیین مشترک برخی متغیرهای «آزاد»، ضمن ارتقای کارایی در قراردادهای ناقص کاری، می‌تواند بهره‌وری را نیز افزایش دهد.

لذا در این مقاله با تأسی از فرهنگ حاکم بر حقوق اداری آلمان، تلاش شده است که نسبت به نظریه‌پردازی در خصوص پیشگیری از فساد اداری- اقتصادی ساختاری اقدام شود. به این ترتیب، لزوم مفهوم‌سازی پیشگیری از فساد مورد تأکید نویسندگان مقاله قرار گرفته است. در این راستا، بر ضرورت تنوع روش‌شناختی، مناظره‌های نظری و همکاری میان‌رشته‌ای در سیاست‌گذاری ضدفساد تأکید شده است.

مبنای فلسفی- حقوقی اصل هم‌تصمیم‌سازی در حقوق آلمان ریشه در:

۱) کرامت انسانی (Art. 1GG)

۲) اصل دولت اجتماعی (Art. 20GG Socialstaatprinzip)

۳) و اصل دموکراسی (Art. 1GG) دارد.

همچنین منظور از ذی‌نفعان، شهروندان، سازمان‌های مدنی، کسب‌وکارها و نهادهای دولتی هستند. اهداف تعیین‌شده جهت مشارکت دادن تمام ذی‌نفعان نیز عبارت‌اند از:

الف) مشارکت برابر[۳۴]: همه طرف‌های ذی‌نفع حق دارند در فرایند تصمیم‌گیری نقش داشته باشند.

ب) شفافیت: اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری باید به‌صورت کامل و قابل دسترس برای همهٔ اعضا ارائه شود.

ج) مسئولیت مشترک[۳۵]: نتایج تصمیم‌ها به‌صورت جمعی پذیرفته می‌شود و هیچ یک از طرف‌ها به‌تنهایی مسئول پیامدها نیست.

د) توزیع قدرت[۳۶]: جلوگیری از انحصار تصمیم‌گیری از سوی یک فرد یا گروه خاص.

ه) توزیع منصفانهٔ ثروت: این درحالی است که در فساد اقتصادی، گروه کوچکی سود برده، در عین حال، هزینه‌های آن بر دوش سایر افراد جامعه قرار می‌گیرد؛ لذا فساد در تزاحم با خیر عمومی[۳۷] معنا پیدا می‌کند.

و) رقابت منصفانه: فساد در بسیاری از مصادیق خود حاصل رقابت سرکوب‌شده[۳۸] است.

درحالی که در آلمان سیاست هم‌تصمیم‌سازی به صورت گسترده در حال اجراست، در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، مشارکت منفی (رانت‌خواری مردمی)، از مطالبات عمومی است. یعنی ورود گروه‌های مختلف اجتماعی (نه‌فقط نخبگان سیاسی و اقتصادی) به چرخهٔ سهم‌خواهی از منابع رانتی مثل یارانه‌ها، ارز ترجیحی، مجوزها و زمین‌های دولتی. این نوع مشارکت باعث گسترش رانت‌جویی در جامعه می‌شود و عملاً «دموکراتیزه شدن رانت» را رقم می‌زند. نمونهٔ بارز آن، صف‌های دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالا یا تقاضای گسترده برای خودرو در طرح‌های قرعه‌کشی است.

درحالی که در پرتو اصل هم‌تصمیم‌گیری، شاهد مشارکت مثبت (نظارت مردم بر توزیع رانت)، خواهیم بود؛ یعنی سازوکاری که مردم و نهادهای مدنی در شفاف‌سازی و نظارت بر

34. Equal Participation.
35. Shared Responsibility
36. Power Distribution
37. Public Benefit
38. Suppressed Competition

تخصیص منابع دولتی مشارکت کنند تا رانت کاهش یابد. مثل انتشار عمومی اطلاعات مزایده‌ها و تخصیص ارز یا مشارکت تشکل‌های مردمی در نظارت بر بودجه.

در علم اقتصاد سیاسی، وقتی رانت محدود در اختیار گروهی کوچک (الیگارشی) است، فساد متمرکز می‌شود. وقتی رانت به‌صورت گسترده میان مردم توزیع می‌شود، فساد خُرد گسترش می‌یابد و نوعی «مردمی‌سازی رانت» شکل می‌گیرد. هر دو حالت به ناکارآمدی منجر می‌شوند؛ مگر اینکه با شفافیت و قواعد سختگیرانهٔ نظارت عمومی همراه باشند.

٤. جلوه‌های تأثیرگذاری تقنینی اصل هم‌تصمیم‌سازی در حقوق آلمان و ایران

در حقوق آلمان، اصل هم‌تصمیم‌سازی در قوانین مختلف آمده است (جدول شمارهٔ ۱) که تجلی این اصل در قوانین اساسی و عادی آلمان به شرح زیر است:

جدول ۱

قانون	ماده	محتوا
قانون اساسی[۳۹]	۲۰	تمام اقتدار حکومتی از مردم ناشی می‌شود. این اقتدار از طریق انتخابات، آرای عمومی و نیز به‌وسیلهٔ نهادهای ویژهٔ تقنینی، اجرایی و قضایی توسط مردم اعمال می‌گردد.
قانون مدنی[۴۰]	۱۳۵۳	زوجین دارای مسئولیت و تعهد متقابل نسبت به یکدیگرند. با این حال، هیچ‌یک از زوجین ملزم به تبعیت از خواستهٔ طرف مقابل در صورت سوءاستفاده از حق یا فروپاشی زندگی مشترک نیست.
قانون مدنی	۱۶۲۶	والدین حق و تکلیف نگهداری، تربیت و ادارهٔ امور شخصی و مالی کودک را برعهده دارند و باید با توجه به رشد فکری و استقلال تدریجی کودک، نظرات او را در تصمیمات خانوادگی مورد توجه قرار دهند.
قانون کار[۴۱]	۸۶	بر همکاری کارفرما و شورای کارگری در امور آموزشی، حرفه‌ای و ارتقای مهارت کارکنان تأکید دارد.
قانون کار	۸۷	برای شورای کارگری در موضوعاتی مانند نظم کارگاه، ساعات کار، مرخصی، شیوهٔ پرداخت، نظارت فنی و تدابیر رفاهی، حق مشارکت و هم‌تصمیم‌گیری قائل می‌شود.

39. Grundgesetz (GG)
40. Bürgerliches Gesetzbuch
41. Betriebsverfassungsgesetz (BetrVG)

آیین دادرسی اداری[42]	۲۸	اگر یک مرجع اداری بخواهد تصمیمی بگیرد که حقوق فردی را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید قبل از صدور تصمیم، به شخص ذی‌نفع فرصت دهد تا نظر خود را بیان کند و از خود دفاع نماید.
تأمین اجتماعی آلمان[43]	۸	کودکان و نوجوانان باید متناسب با سن و رشد خود در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور حمایتی و رفاهی مشارکت داده شوند و حق دارند نظرشان شنیده شود

۱.٤. قانون اساسی

در آلمان اصل بیستم قانون اساسی[44] بر دموکراسی مشارکتی (به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌های اداری و عمومی) تأکید دارد. پیرو این اصل، دو مجلس در آلمان وجود دارد؛ مجلسی متشکل از نمایندگان فدرال (Bundestag) و مجلسی متشکل از نمایندگان ۱۶ ایالت (Bundesrat). بر این اساس، قوانین بر دو دسته هستند؛ یک دسته قوانین فدرال که مجلس متشکل از نمایندگان ایالتی می‌تواند با آن مخالفت کند، لیکن این مخالفت در تصویب نهایی آن مصوبه از سوی مجلس فدرال تأثیری ندارد.

دستهٔ دوم، مصوباتی است که مستقیماً بر وظایف یا منابع مالی ایالت‌ها تأثیر می‌گذارند. در این صورت، مجلس متشکل از نمایندگان ایالتی می‌تواند با آن موافقت یا مخالفت کرده یا پیشنهادهای اصلاحی بدهد. در صورت مخالفت، کمیتهٔ مصالحه (Vermittlungsausschuss) تشکیل می‌شود[45].

لذا هدف از این ساختار مبتنی بر اصل هم‌تصمیم‌سازی، ایجاد تعادل میان دولت فدرال و ایالت‌ها، جلب نظر ذی‌نفعان و جلوگیری از تصویب قوانینی است که منافع ایالت‌ها را نادیده بگیرد و نیز تضمین مشارکت سیاسی و قانون‌گذاری هماهنگ در سطح فدرال است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت از این اصل سخنی به میان نیامده است؛ اما به‌صورت ضمنی و نهادی، اصول ۶، ۷، ۵۶ و ۵۹ قانون اساسی ایران به‌وضوح دارای مضامین دموکراسی مشارکتی است:

42 Verwaltungsverfahrensgesetz (VwVfG)
43 Sozialgesetzbuch Achtes Buch (SGB VIII)
44. Grundgesetz - GG
45. Fritz W. Scharpf, *No Exit from the Joint Decision Trap? Can German Federalism Reform Itself?*, MPIfG Working Paper, No. 05/8, Max Planck Institute for the Study of Societies, Cologne, (2005)

اصل ۶ بر مشارکت مردم در امور کشور تأکید دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکاء آرا و نظرات عمومی اداره شود».

در اصل ۷ نیز آمده است که «طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر»، شوراها (مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها) از ارکان تصمیم‌گیری و ادارهٔ امور کشورند...»

اصل ۸: این اصل به مسئولیت همگانی در تمام مسائل اجتماعی و سیاسی در پرتو فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد.

اصل ۲۹: این اصل به حق تأمین اجتماعی اشاره دارد و بر تأمین اجتماعی و مشارکت در تصمیم‌گیری در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند.

اصل ۴۴: این اصل مربوط به مالکیت و مشارکت مردم در بخش‌های اقتصادی است و به‌نوعی می‌توان آن را به مشارکت و هم‌تصمیم‌سازی در مسائل اقتصادی مرتبط دانست.

بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی آلمان و ایران نشان می‌دهد که هر دو نظام، در سطح قانون اساسی، مشارکت عمومی در ادارهٔ امور را به‌عنوان یک ارزش بنیادین پذیرفته‌اند، اما در شیوهٔ نهادینه‌سازی و آثار حقوقی آن تفاوت‌های مهمی میان آن‌ها وجود دارد.

در آلمان، اصل مشارکت از طریق سازوکارهای نهادی مشخص و الزام‌آور در قالب نظام فدرالی و حضور مجلس نمایندگان ایالت‌ها (Bundesrat) در فرایند قانون‌گذاری تحقق یافته است؛ به‌گونه‌ای که ایالت‌ها نه صرفاً در مقام مشورت، بلکه به‌عنوان بازیگران مؤثر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حضور دارند و حتی در موارد مرتبط با منافع و صلاحیت‌های ایالتی، امکان تأثیرگذاری مستقیم بر تصویب یا اصلاح مصوبات را دارا هستند. تشکیل کمیتهٔ مصالحه نیز نشان‌دهندهٔ تلاش برای ایجاد توازن میان سطوح مختلف قدرت و جلوگیری از تمرکز تصمیم‌گیری است.

در مقابل، در نظام حقوقی ایران هرچند اصول ۶، ۷، ۸، ۵۶ و ۵۹ قانون اساسی مضامین مشارکت‌محور و شورایی را مورد شناسایی قرار داده‌اند، اما این مشارکت عمدتاً در سطح هنجاری و کلی باقی مانده است و از سازوکارهای نهادی الزام‌آور و ساختارمند مشابه نظام آلمان برخوردار نیست.

لذا تفاوت اصلی دو نظام، نه در پذیرش اصل مشارکت، بلکه در میزان تبدیل آن به نهادهای اجرایی و حقوقی مؤثر است. این امر نشان می‌دهد که در پیشگیری از فساد ساختاری، صرف شناسایی اصل مشارکت در اسناد بالادستی کفایت نمی‌کند، بلکه طراحی سازوکارهای نهادی برای مشارکت واقعی ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است؛ زیرا هرچه تصمیم‌گیری از انحصار نهادهای محدود خارج و در معرض نظارت و مشارکت بیشتر قرار گیرد، امکان شکل‌گیری فساد ناشی از تمرکز قدرت کاهش می‌یابد.

۲.٤. قانون کار

اصل هم‌تصمیم‌سازی در حقوق کار آلمان ریشه دارد و بخش مهمی از مدل اقتصادی اجتماعی آلمان[۴۶] شمرده می‌شود و در نهادهای اقتصادی آلمان، به معنای مشارکت نمایندگان کارگری در تصمیمات مهم شرکت مانند ساعات کاری، استخدام و اخراج، مسائل ایمنی و بهداشت حرفه‌ای است.

مبنای حقوقی این اصل در حقوق آلمان در قانون هم‌تصمیم‌سازی[۴۷] مصوب ۱۹۷۶ و مقررات مرتبط با آن آمده است. انواع هم‌تصمیم‌سازی در حقوق کار آلمان عبارت‌اند از:

- هم‌تصمیم‌سازی در سطح کارخانه یا شرکت[۴۸]: در قالب شورای کار[۴۹] که در تصمیمات داخلی شرکت نقش دارد.
- هم‌تصمیم‌سازی در سطح شرکت مادر یا گروه[۵۰]: حضور نمایندگان کارگران در هیئت مدیره یا هیئت نظارت[۵۱] الزامی است.

با بررسی حقوق کار ایران، باید گفت که به صورت صریح و معین، نهادی با عنوان «هم‌تصمیم‌سازی» وجود ندارد، ولی می‌توان مشابه آن را در چند حوزه جست‌وجو کرد:

46. Soziale Marktwirtschaft
47. Mitbestimmungsgesetz
48. Betriebsmitbestimmung
49. Betriebsrat
50. Unternehmensmitbestimmung
51. Aufsichtsrat

- شوراهای اسلامی کار و انجمن‌های صنفی به‌عنوان ابزار مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری‌های محیط کار.
- کمیته‌های انضباطی و بهداشت و ایمنی کار که ترکیبی از نمایندگان کارگر و کارفرما در آن حضور دارند.
- در شرکت‌های سهامی، که سهام‌داران عمده و خرد از طریق مجامع عمومی نقش دارند، اما کارگران نقشی نهادی در مدیریت ندارند (برخلاف مدل آلمانی).
- در برخی نهادهای عمومی مانند سازمان تأمین اجتماعی، ترکیبی از نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان در هیئت امنا حضور دارند که می‌توان آن را شکلی از هم‌تصمیم‌سازی دانست که البته معمولاً دولت که خود اصلی‌ترین کارفرماست، در حقیقت دارای ۲ حق رأی است که این به معنای «تمرکز در تصمیم‌گیری» در قالب یک نمایش جعلی «هم‌تصمیم‌سازی» است.

لذا اگرچه هم‌تصمیم‌گیری در روابط کارگری و کارفرمایی و حتی امور سیاسی تاحدودی ولو پراکنده حاکم است، اما در اقتصاد و سیاست‌گذاری اقتصادی، این نهاد کاملاً کنار گذاشته شده است. به عبارت دیگر، کلپتوکرات‌های حاکم، از اصل هم‌تصمیم‌گیری صرفاً در جهت اقناع افکار عمومی و فریب آن‌ها و تنها در حد امور نازل سیاسی استفاده کرده، در حقوق اقتصادی این نهاد را کاملاً کنار گذاشته‌اند.

برای نمونه، در بانک‌های دولتی و شبه‌خصوصی، مدیریت و تصمیم‌گیری عمدتاً در دست هیئت مدیره و سهام‌داران است. کارمندان یا سپرده‌گذاران هیچ نقشی در مدیریت و تصمیم‌گیری ندارند. حتی در بانک‌های تخصصی (مثل بانک کشاورزی یا بانک صنعت و معدن) نیز تصمیم‌گیری به دولت یا هیئت مدیره منصوب دولت/ سهام‌داران محدود است. برای مثال، در پروندهٔ معروف به چای دبش در ایران، وزیر جهاد کشاورزی به‌طور یک‌جانبه، اقدام به تخصیص ارزهای کلان به یک تاجر جهت واردات چای نموده بود. این حجم از تخصیص ارز بدون توجه به سایر واردکنندگان چای و نادیده گرفتن فضای رقابتی در این زمینه، سرمنشأ یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های مفاسد اقتصادی در ایران شد. این درحالی است که اگر تخصیص ارز در

یک شرایط سالم رقابتی و با تصمیم‌گیری تمامی ذی‌نفعان انجام می‌شد، چنین فساد گسترده‌ای هرگز رخ نمی‌داد.

در برخی شوراهای عالی مثل «هیئت عالی بانک مرکزی» (زیرمجموعهٔ بانک مرکزی) که ترکیب اعضا متنوع است (نمایندگان دولت، بخش خصوصی، اتاق بازرگانی، و...)، نقش آن بیشتر جنبهٔ مشورتی دارد تا «هم‌تصمیم‌سازی واقعی».

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران نیز نهادی است که نمایندگان بخش خصوصی در سیاست‌گذاری اقتصادی حضور دارند؛ لیکن تأثیر این نهاد ر اقتصاد ایران، تاکنون مورد کنکاش جدی قرار نگرفته است.

در عین حال، جدال میان یغماسالاران[۵۲] دولتی و سرمایه‌داران با طبقهٔ کارگر حتی در آلمان، مانع اصلی اجرای اصل هم‌تصمیم‌سازی است. شواهد موجود در آلمان، نشان‌دهندهٔ تأثیر صفر یا اندک مثبت هم‌تصمیم‌سازی بر پیامدهای کارگران و شرکت‌ها است و آثار مثبت اندکی بر بهره‌وری، دستمزدها و ثبات شغلی باقی می‌گذارد. چراکه نخست، قوانین موجود در زمینهٔ هم‌تصمیم‌سازی[۵۳] اختیار چندانی به کارگران نمی‌دهند. دوم، کشورهایی که دارای قوانین هم‌تصمیم‌سازی هستند، سطوح بالایی از صدای غیررسمی کارگران را در حالت پایه[۵۴] دارند. سوم، قوانین هم‌تصمیم‌سازی ممکن است با سایر نهادهای بازار کار، مانند نمایندگی اتحادیه‌ها و چانه‌زنی جمعی[۵۵]، تعامل داشته باشند.

۵. سازوکارهای پیاده‌سازی[۵۶] اصل هم‌تصمیم‌سازی

فساد اقتصادی ساختاری، برون‌داد تمرکز در تصمیم‌گیری است؛ خواه شفاف باشد یا نباشد. در جوامعی که مردم‌سالاری و رسانه‌های مستقل توسعه نیافته‌اند، شفافیت راه به جایی نخواهد برد. راهکار برون‌رفت از تمرکز در تصمیم‌گیری که در ادبیات عمومی از آن به امضای طلایی یاد می‌شود، هم‌تصمیم‌گیری است که به معنی مقابله با تمرکز در تصمیم‌گیری است.

52. Kleptocrats
53. Codetermination Laws
54. Baseline
55. Collective Bargaining
56. Instrumente Der Umsetzung

اگرچه تمرکز در تصمیم‌گیری، موجب سرعت امور و قاطعیت در آن‌ها می‌شود؛ لیکن میزان فساد اقتصادی و همین طور اشتباه در تصمیم‌گیری نیز به تبع آن، افزایش خواهد یافت.

به بیان دیگر، تمرکز قدرت و انحصار تصمیم‌گیری، به دلیل کاهش نظارت عمومی، محدودسازی مشارکت ذی‌نفعان و عدم توزیع متوازن قدرت، از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری فساد ساختاری محسوب می‌شود. در مقابل، الگوهای حکمرانی مشارکتی و تمرکززدایی اداری، با افزایش شفافیت، پاسخگویی و کنترل اجتماعی، ظرفیت پیشگیری از فساد را تقویت می‌کنند.

پس از انقلاب یورومیدان ۲۰۱۳-۲۰۱۴ در اوکراین که به سقوط رژیم به‌شدت فاسد رئیس‌جمهور ویکتور یانوکوویچ انجامید، در مطالعه‌ای به این امر پرداخته شد که آیا سازمان‌های مدنی پس از این انقلاب، بیشتر در فرایند سیاست‌گذاری عمومی اوکراین شرکت داده شده‌اند و اینکه آیا این انقلاب به تغییری معنادار به‌سوی سبکی بازتر و فراگیرتر از حکمرانی منجر شده است یا نه؟ نویسنده چنین نتیجه گرفته است که ناکافی بودن انسجام و نهادینه‌سازی چنین سازوکارهای مشارکتی، در نهایت آن‌ها را در برابر ترجیحات بازیگران فردی و تغییرات گسترده‌تر نگرش‌های سیاسی آسیب‌پذیر می‌سازد[۵۷].

در نمونه‌ای دیگر، در جریان آماده‌سازی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی، کارتل‌های ساختمانی پس از تبانی با یکدیگر، هزینه‌های تدارکات عمومی را تا ۳۰ درصد بالا بردند که این امر ضرر هنگفتی به دولت وارد ساخت. اگرچه تمام قراردادها و مناقصات شفاف بود، لیکن به دلیل نادیده گرفتن اصل هم‌تصمیم‌سازی، این تبانی اتفاق افتاد[۵۸]

در ایران نیز برای نمونه، بر اساس مادۀ ۷ قانون برگزاری مناقصات (مصوب ۱۳۸۳)، کمیسیون مناقصات در دستگاه‌های اجرایی از سه نفر تشکیل می‌شود: رئیس دستگاه مناقصه‌گذار یا نمایندۀ وی، ذی‌حساب یا بالاترین مقام مالی دستگاه، و مسئول فنی دستگاه مربوطه.

این ترکیب نشان می‌دهد که قانون‌گذار تمرکز را بر نمایندگان درون‌دستگاهی نهاده است و

57. Denitsa Marchevska, "Participatory Governance in Ukraine: A Case Study of Anti-Corruption Policy in the Period 2014–2018". *Kyiv-Mohyla Law and Politics Journal*, (6) (2020), p. 107.
58. Eliz-Mari Sullivan, Clinton Oellermann and Jacqui-Lyn McIntyre, "Combating Cartel Behaviour in South Africa: Lessons Learned and the Case for Asset Forfeiture". *Journal of Financial Crime*, (2025), p. 1.

نقش نهادهای بیرونی یا ذی‌نفعان اجتماعی در فرایند تصمیم‌سازی لحاظ نشده است. در نتیجه، با آنکه مادهٔ ۲ قانون یادشده بر رعایت مساوات، سلامت و شفافیت معاملات دولتی تأکید دارد، اما سازوکار تحقق عملی این اهداف محدود به نظارت پسینی سازمان‌های بالادستی (مانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور) باقی می‌ماند.

درحالی که بر اساس اصل هم‌تصمیم‌سازی که می‌تواند در پرتو اصول کلی قانون اساسی ازجمله بند ۷ ، ۸ و ۹ اصل ۳ (مشارکت عامهٔ مردم در تعیین سرنوشت و جلوگیری از فساد)، اصل ۴۹ (لزوم جلوگیری از فساد اقتصادی و بازگرداندن اموال نامشروع)، و همچنین اصل ۱۷۴ (نظارت سازمان بازرسی کل کشور بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین) تفسیر شود، لازم است ترکیب کمیسیون مناقصه به‌گونه‌ای بازطراحی گردد که حضور و مشارکت ذی‌نفعان اجتماعی و نهادهای مستقل تضمین‌کنندهٔ شفافیت در آن لحاظ شود.

به‌طور مشخص، می‌توان پیشنهاد داد که در کنار اعضای اصلی کمیسیون مناقصه، افراد زیر نیز به‌عنوان عضو یا ناظر واجد حق رأیِ مشروط حضور یابند:

- ✓ نمایندهٔ صنف یا اتحادیهٔ تخصصی مرتبط با موضوع مناقصه، به‌منظور دفاع از حقوق بخش خصوصی (استناد به مادهٔ ۲۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دربارهٔ لزوم حمایت از رقابت سالم)؛
- ✓ نمایندهٔ سازمان بازرسی کل کشور (مستند به اصل ۱۷۴ قانون اساسی)؛
- ✓ نمایندهٔ دیوان محاسبات (مستند به اصل ۵۵ قانون اساسی در نظارت بر مصرف صحیح بودجهٔ عمومی)،
- ✓ هنگام ضرورت، حضور نمایندهٔ شورای شهر یا شوراهای محلی در پروژه‌های شهری (مستند به اصل ۱۰۳ قانون اساسی در لزوم همکاری مسئولان محلی با شوراها)،
- ✓ نمایندهٔ سازمان‌های مردم‌نهاد ضدفساد ثبت‌شده در وزارت کشور (مستند به مادهٔ ۲۶ قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و سیاست‌های کلی نظام اداری در بند ۱۶ ابلاغی مقام معظم رهبری).

چنین ترکیبی علاوه بر تضمین عدالت و شفافیت در فرایند مناقصه، موجب ارتقای سرمایهٔ اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی به دولت خواهد شد. همچنین، این الگو با بند ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات مفسدانه) هم‌راستا است.

در پروندهٔ فساد اقتصادی معروف به چای دبش در ایران، هیئت کارشناسی و هیئت قضایی پرونده، نقش تصمیم‌گیری وزارت صمت را در دو بخش مورد بررسی دقیق قرار دادند؛ این درحالی است که نمایندهٔ صنف مربوطه هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌ها نداشت و به قواعد لازم‌الرعایه حقوق رقابت در خصوص حفظ قواعد حرفه‌ای حاکم بر رقابت میان سرمایه‌گذاران و منع انحصار[۵۹]، در بخش تولید و واردات چای توجهی نشده بود؛ ازجمله:

۱. صدور جوازهای تأسیس توسعه‌ای و ایجادی برای شرکت‌های گروه دبش: در این بخش، وزارت صمت متهم به صدور بی‌رویه و غیرضروری مجوزهای تأسیس برای شرکت‌های وابسته به گروه دبش شده است. این اقدام زمینه را برای فعالیت‌های غیرقانونی بعدی این گروه فراهم ساخت.

۲. ثبت سفارشات واردات ماشین‌آلات و ملزومات مرتبط برای شرکت‌های گروه چای دبش: در این بخش که محور اصلی اتهامات متوجهٔ وزیر وقت صمت است، او موظف بوده است که حجم تقاضا برای ثبت سفارش واردات را به‌دقت مدیریت کند تا از ثبت سفارشات غیرضروری و غیرمرتبط جلوگیری شود. با این حال، بررسی دقیق آمار نشان می‌دهد که در دورهٔ مدیریت وی، ثبت سفارش برای واردات ماشین‌آلات بسته‌بندی چای به شکل غیرمعمول و بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. این درحالی است که در سال‌های قبل با وجود وضعیت ارزی به‌مراتب بهتر کشور، میزان ثبت سفارش برای این نوع ماشین‌آلات بسیار پایین‌تر بوده است[۶۰].

از طرف دیگر، برای پیشگیری از این فسادهای ساختاری پیچیده، سازوکار ایجاد هم‌تصمیم‌گیری نیز پیچیده است: در ساختار اداری آلمان، رویه‌های مشخصی برای انتخاب داوران مستقل، کمیته‌های مشترک، بررسی متقابل و امضاهای دست‌جمعی وجود دارد که برای جلوگیری از تصمیمات فسادزا طراحی شده‌اند.

---

۵۹. مجتبی جعفری، «جرم‌انگاری در حقوق فعالیت‌های اقتصادی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۷(۱۲)، (۱۳۹۵)، ص ۸۵ و ۹۵.

60. Sazandegi Magazine, 1403/11/17

مقامات دولتی و روابط عمومی مسئول اجرای تحلیل ریسک فساد هستند و سازمان‌هایی مانند «اتحادیهٔ ملی شهرداری‌های آلمان»[۶۱] ده پایهٔ محافظتی ارائه کرده‌اند که در آن هم‌تصمیم‌سازی، نقش کلیدی دارد.

اجرای اصل تصمیم‌سازی مشترک[۶۲]، باعث شفافیت بیشتر در جریانات تصمیم‌سازی و کاهش عدم قطعیت و نیز عدم توانایی فرصت‌طلبان برای ایجاد رابطه‌های غیررسمی و پنهانی می‌شود.

لذا در جهت اجرای اصل هم‌تصمیم‌سازی در حقوق اقتصادی باید مراحل زیر بادقت طی شود:

۱) شناسایی حوزه‌های دارای امضاهای طلایی و قانون‌گذاری جهت ایجاد هم‌تصمیم‌سازی در این حوزه‌ها. وجود «هیئت عالی بانک مرکزی» که سیاست‌گذار حوزهٔ بانکی است یا کمیته‌های برگزاری مناقصات، همگی دلالت بر توجه به این اصل دارند. لیکن حوزه‌های مهمی مانند بودجه‌ریزی، انعقاد قراردادهای کلان و ...، هنوز بدون درنظر گرفتن اصل هم‌تصمیم‌سازی، جریان دارند و برون‌داد این تمرکز در تصمیم‌گیری، ایجاد امضاهای طلایی و وقوع فسادهای ساختاری مانند پروندهٔ چای دبش در ایران است.

۲) شناسایی تمام ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری. چالشی که در این زمینه وجود دارد آن است که آیا تمام ذی‌نفعان مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، تشکل‌های کارگری و صنفی می‌توانند در تصمیم‌گیری و نظارت بر بودجه‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولتی و عمومی که منافع آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد مشارکت دارند؟ در واقع، در فقدان سازمان‌های مردم‌نهاد قدرتمند و واقعی، کارتل‌های اقتصادی از تأثیرگذاری گسترده‌ای برای لابی‌گری با اعضای نهادهای تصمیم‌گیر برخوردار هستند.

۳) شناسایی مدل منطقی تصمیم‌گیری در نظام اداری. باید گفت که اصل هم‌تصمیم‌سازی زمانی به اهداف ضدفساد خود دست خواهد یافت که فرایند تصمیم‌گیری عاقلانه و مدبرانه در نظام مدیریتی کشور، تعریف شود.

---

61. Deutscher Städte- und Gemeindebund (DStGB)

یک نهاد ملی در آلمان است که نمایندهٔ منافع شهرها و شهرداری‌های آلمان محسوب می‌شود.

62. Mehr-Augen-Prinzip

۴) الزام به انتشار داده‌های اقتصادی[۶۳]. انتشار فهرست دریافت‌کنندگان ارز، تسهیلات کلان، زمین و... از ملزومات اساسی و اصلی تأثیرگذاری این اصل در پیشگیری از فساد و مشارکت دادن ذی‌نفعان است.

۵) اجتناب از مشارکت صوری. مشارکت واقعی باید به سطح «تحولی» برسد تا مردم بتوانند به شکل فعال در توسعه نقش داشته باشند. باید توجه داشت که معانی مشارکت از منظر نهادهای مجری و دریافت‌کنندگان خدمات، متفاوت است. در راستای اصل هم‌تصمیم‌سازی و پیشگیری از فساد اقتصادی، جدول «نردبان مشارکت»[۶۴] نشان می‌دهد که مشارکت می‌تواند از سطح اسمی تا تحولی متغیر باشد.

جدول ۲: نردبان مشارکت

شکل	معنای «مشارکت» برای نهاد مجری	معنای «مشارکت» برای دریافت‌کنندگان	معنای «مشارکت» به‌طور کلی
اسمی (Nominal)	مشروعیت: برای نشان دادن اینکه کاری انجام می‌دهند	حضور: برای حفظ دسترسی به مزایای احتمالی	نمایش
ابزاری (Instrumental)	کارایی: برای محدود کردن دخالت تأمین‌کنندگان بودجه، بهره‌گیری از کمک‌های جامعه و اقتصادی‌تر کردن پروژه‌ها	هزینه: زمان صرف‌شده در کارهای مرتبط با پروژه و فعالیت‌های دیگر	وسیله‌ای برای دستیابی به کارایی و بهره‌گیری از امکانات محلی
نمایندگی (Representative)	پایداری: برای جلوگیری از ایجاد وابستگی	اهرم: برای تأثیرگذاری بر شکل و مدیریت پروژه	دادن صدا به مردم در تعیین مسیر توسعهٔ خود
تحولی (Transformative)	توانمندسازی: تقویت توانایی مردم در تصمیم‌گیری و اقدام مستقل	توانمندسازی: قدرت تصمیم‌گیری و اقدام مستقل	هم وسیله و هم هدف، یک فرایند پویا و مستمر

در سطوح پایین، مشارکت صرفاً نمایشی یا ابزاری است و بیشتر به نهاد مجری سود می‌رساند و کنترل مردم محدود است، که می‌تواند زمینهٔ فساد یا سوءاستفادهٔ منابع را فراهم آورد.

۶۳. مجید صادق‌نژاد نائینی، «نقش شفافیت در پیشگیری از جرایم اقتصادی»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۳۱(۲۵)، ((۱۴۰۳)، ص ۵۷ –۷۹.

64. Cornwall, A. (2001). Making a Difference? Gender and Participatory Development (IDS Discussion Paper No. 378). Retrieved from IDS Website: http://www.ids.ac.uk/files/Dp378.pdf, p 8-9.

در سطوح بالاتر، مشارکت نمایندگی و تحولی موجب توانمندسازی مردم، افزایش شفافیت و کنترل اجتماعی بر تصمیمات اقتصادی می‌شود. این رویکرد نه‌تنها فساد را کاهش می‌دهد، بلکه کارایی و پایداری پروژه‌ها و اعتماد عمومی را نیز تقویت می‌کند.

نتیجه

نگارندگان پژوهش حاضر با تلفیق چارچوب نظری هم‌تصمیم‌سازی (برگرفته از مدل حقوقی- اداری آلمان) و تحلیل ساختاری فساد در ایران، به این جمع‌بندی کلیدی رسیده‌اند که راهبرد غالب شفافیت‌محور در مبارزه با فساد، به دلیل غفلت از ماهیت نظام‌مند و نهادینه‌شدهٔ فساد ساختاری، ناتوان است. در این مقاله استدلال شده که اثربخشی شفافیت منوط به وجود بسترهای نهادی برای کنش جمعی و امکان بازنگری در تصمیمات است؛ بسترهایی که تنها از طریق درهم‌تنیدن اصل هم‌تصمیم‌سازی با حکمرانی قانون محقق می‌شود. بنابراین، نتیجهٔ نهایی تحقیق، نه جانشینی شفافیت با هم‌تصمیم‌سازی، بلکه ارائهٔ یک مدل چندلایه و توالی‌مند است که در آن، هم‌تصمیم‌سازی (به‌عنوان پیش‌شرط مشروعیت و عقلانیت)، بیان دلایل تصمیمات (به‌عنوان پل ارتباطی) و شفافیت (به عنوان ابزار نظارت اجتماعی) در یک زنجیرهٔ تقویت‌کننده عمل می‌کنند. این مدل یکپارچه، نقشهٔ راهی برای اصلاح قانون‌گذاری در حوزه‌های حساسی مانند برگزاری مناقصات، تخصیص منابع ارزی و نظارت بر نهادهای مالی خصوص‌سازی‌شده ارائه می‌دهد و تأکید می‌کند که بدون اصلاح ساختار توزیع قدرت در فرایند تصمیم‌گیری، هرگونه افشای اطلاعات صرفاً نمایشی خواهد بود.

در راستای تحقق این مدل، نگارندگان این پژوهش پیشنهاد می‌کنند که اصل هم‌تصمیم‌سازی باید از سطح توصیفی- تنظیمی به سطح تأسیسی ارتقا یابد. این به آن معناست که به‌جای تکیهٔ صرف بر اصول کلی قانون اساسی، باید در قوانین عادی مشخص، مانند قانون برگزاری مناقصات، قانون بانک مرکزی، و قانون مدیریت خدمات کشوری بازنگری شده، سازوکارهای مشخصی برای مشارکت اجباری، متوازن و دارای حق رأی نهادهای مدنی مستقل، اصناف و نمایندگان ذی‌نفعان عمومی در کمیته‌های تخصصی تصویب گردد. برای نمونه، تشکیل هیئت‌های نظارت مشترک متشکل از نمایندگان دولت، بخش خصوصی، جامعهٔ دانشگاهی و سازمان‌های مردم‌نهاد ضدفساد برای نظارت بر قراردادهای کلان دولتی می‌تواند مصداق عینی

این تحول باشد. سرانجام، در این مقاله نتیجه گرفته شده است که مبارزه با فساد ساختاری، بیش از آنکه یک نبرد قضایی یا رسانه‌ای باشد، یک پروژهٔ مهندسی نهادهای حکمرانی است که «هم‌تصمیم‌سازی» سنگ بنای آن محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که اعمال اصل هم‌تصمیم‌سازی بی‌شک با هزینه‌های معاملاتی و کاهش سرعت تصمیم‌گیری در کوتاه‌مدت همراه است. برای تعدیل این چالش، می‌توان از مدل‌های تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی مشورتی استفاده کرد؛ به این صورت که تصمیمات روزمره و فوری در اختیار مدیریت اجرایی باقی بماند، اما تصمیمات استراتژیک، تخصیص منابع کلان و بررسی عملکرد مدیران ارشد، در حیطهٔ اختیارات نهادهای هم‌تصمیم‌گیر (مانند هیئت‌های نظارت مشترک) قرار گیرد. به‌علاوه، با استفاده از فناوری‌های حکمرانی دیجیتال مانند پلتفرم‌های تصمیم‌گیری جمعی آنلاین، می‌توان فرایند مشورت، جمع‌آوری نظرها و حتی رأی‌گیری را تسریع و شفاف‌تر کرد. این امر نه‌تنها هزینه‌های زمانی و اداری را کاهش می‌دهد، بلکه با ثبت دیجیتال کلیهٔ نظریات و مستندات، امکان نظارت و ارزیابی پسینی را فراهم می‌سازد. از منظر اقتصادی، اگرچه هم‌تصمیم‌سازی ممکن است به کندی موقت فرایندها بینجامد، اما با کاهش ریسک فساد و افزایش کیفیت تصمیمات در بلندمدت، منجر به بهینه‌سازی تخصیص منابع و افزایش سرمایهٔ اجتماعی می‌شود که خود به رشد پایدار اقتصادی کمک شایانی می‌کند.

در مورد خطر تبانی گروهی و تبدیل هم‌تصمیم‌سازی به یک کلوپ فساد بسته، باید سازوکارهای بازدارندهٔ قدرتمندی طراحی کرد. این سازوکارها شامل: اول، الزام به افشای عمومی کلیهٔ تعاملات، ملاقات‌ها و منافع اعضای نهادهای هم‌تصمیم‌گیر؛ دوم، ایجاد سیستم چرخش دوره‌ای اعضا در کمیته‌های مختلف برای جلوگیری از شکل‌گیری رابطه‌های دیرپا و فسادپذیر؛ سوم، تعیین ناظر مستقل ضدفساد (مانند نمایندهٔ سازمان بازرسی کل کشور) در تمامی این نهادها با حق حضور و دسترسی به اطلاعات و گزارش‌دهی مستقیم؛ و چهارم، پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی کیفری و انتظامی شدید برای اعضایی که در فرایند هم‌تصمیم‌سازی مرتکب تبانی یا سوءاستفاده شوند، مشابه مادهٔ ۱۱۹ قانون شوراهای کار آلمان است. همچنین، ایجاد یک سامانهٔ گزارش‌دهی ناشناس تخلفات برای کارکنان و ذی‌نفعان می‌تواند به‌عنوان یک مکانیزم نظارت از پایین، مکمل نظارت‌های رسمی باشد.

برای تبدیل اصل کلی هم‌تصمیم‌سازی به دستورالعمل‌های اجرایی، ضروری است سازوکارهای دقیق و متناسب با هر حوزه طراحی شود. به‌طور مشخص در حوزهٔ تخصیص منابع ارزی و اعتباری، پیشنهاد می‌شود مکانیزم شورای تخصیصِ رقابتی منابع در بانک مرکزی و وزارت صمت ایجاد گردد. ترکیب این شورا باید شامل نمایندگان تام‌الاختیار اتحادیه‌های صنفی مرتبط، انجمن‌های علمی تخصصی مرتبط، نهادهای نظارتی مستقل (دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور) و سازمان‌های مردم‌نهاد شفافیت‌محور باشد. عملکرد این شورا نه مشورتی، بلکه تصمیم‌ساز خواهد بود و کلیهٔ درخواست‌های تخصیص ارز ترجیحی یا تسهیلات کلان باید با ارائهٔ توجیه اقتصادی- اجتماعی شفاف، در معرض رأی‌گیری اعضا قرار گیرد. مکانیزم چند امضایی اجباری برای تصویب این درخواست‌ها، به‌گونه‌ای که نیازمند موافقت حداقل یک نماینده از هر گروه (دولت، بخش خصوصی، نهاد نظارتی و نهاد مدنی) باشد، می‌تواند از تصمیم‌گیری متمرکز و رانتی جلوگیری کند.

در حوزهٔ حاکمیت شرکتی و نظارت بر بنگاه‌های بزرگ خصوصی‌شده یا شبه‌دولتی؛ برای مثال در مورد شرکت‌هایی که بیش از ۵۰ درصد از درآمدشان از قراردادهای دولتی تأمین می‌شود یا در انحصار طبیعی فعالیت می‌کنند، تشکیل هیئت نظارت با ترکیبی متوازن از نمایندگان سهام‌داران عمده، سهام‌داران خُرد، کارکنان (از طریق شورای کار) و نمایندهٔ مستقل منتخب مراجع قضایی یا دانشگاهی الزامی گردد. این هیئت نظارت باید بر تصویب قراردادهای عمده، صورت‌های مالی، و انتصابات مدیریت ارشد، نظارت مستقیم و حق وتوی مشروط داشته باشد. این امر از شکل‌گیری کارتل‌های خصوصی- دولتی و تصمیم‌گیری‌های انحصاری که نمونهٔ آن در پرونده‌های بانکی و چای دبش مشاهده شد، جلوگیری خواهد کرد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

۱. پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)، ***جرم‌شناسی***، ترجمهٔ علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.

۲. شریف‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۱)، ***حقوق و اقتصاد در اسلام***، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۳. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۴۰۲)، «سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها»، دیباچه در: می‌ری دلماس مارتی، ***نظام‌های بزرگ سیاست جنایی***، ترجمهٔ علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۴۰۴)، «از سیاست کیفری تا سیاست جنایی»، دیباچه در: کریستین لازرژ، ***درآمدی بر سیاست جنایی***، ترجمهٔ علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.

مقالات

۵. جعفری، مجتبی (۱۳۹۵). جرم‌انگاری در حقوق فعالیت‌های اقتصادی. ***مطالعات حقوق تطبیقی معاصر***، ۷(۱۲). ۸۵-۱۰۴.

۶. خداداد کاشی، فرهاد؛ مهرآرا، محسن و میکائیلی، سیده وجیه (۱۴۰۳). ارزیابی تأثیر خصوصی‌سازی و فشار رقابتی بر قدرت بازاری در صنایع کارخانه‌ای ایران. ***پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی***، ۱۵(۵۷). ۱۵-۳۸. Doi: 10.30473/egdr.2023.65203.6590

۷. رضایی، مهدی و خسروی، نیما (۱۳۹۷). نسبت‌سنجی اصل الزام به بیان دلایل تصمیمات و حاکمیت قانون. ***پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق) (حقوق و سیاست)***، ۲۰(۶۱). ۶۵-۹۲. Doi: 10.22054/qjpl.2019.25485.1628

۸. صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۴۰۳). نقش شفافیت در پیشگیری از جرایم اقتصادی. ***دانشنامهٔ حقوق اقتصادی***، ۳۱(۲۵). ۵۷ -۷۹. Doi: 10.22067/economlaw.2024.86561.1346

۹. غنی، مهرداد؛ حسینی، سید حسین و سیدزاده‌ثانی، سید مهدی (۱۴۰۴). تحلیل نقش دولت و حاکمیت؛ جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی. ***پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی***، ۳(۸)، ۱۹-۴۲. Doi: 10.22034/aqcr.2025.2069236.1094

۱۰. وحیدی، عبدالملک؛ شیداییان، مهدی و میرخلیلی، سید محمود (۱۴۰۰). مبانی و جلوه‌های قرآنی سیاست جنایی مشارکتی. ***پژوهش حقوق کیفری***، ۹(۳۴)، ۳۱-۶۱.
Doi: 10.22054/jclr.2021.40376.1880

ب) منابع انگلیسی

Articles

11. Bac, M. (2001). Corruption, Connections and Transparency: Does a Better Screen Imply a Better Scene?. ***Public Choice***, 107(1), 87-96. Doi: 10.1023/A:1010349907813
12. Bauhr, M., & Nasiritousi, N. (2012). Resisting Transparency: Corruption, Legitimacy, and the Quality of Global Environmental Policies. ***Global Environmental Politics***, 12(4), 9-29. Doi: 10.1162/GLEP_a_00137
13. Bautista-Beauchesne, N., & Garzon, C. (2019). Conceptualizing Corruption Prevention: A Systematic Literature Review. ***Journal of Financial Crime***, 26(3), 719-745. Doi: 10.1108/JFC-10-2018-0106
14. Cornwall, A. (2001). Making a Difference? Gender and Participatory Development (IDS Discussion Paper No. 378). Retrieved from IDS Website: http://www.ids.ac.uk/files/Dp378.pdf
15. Fenster, M. (2006). The Opacity of Transparency. ***Iowa Law Review***, 91(3), Doi: 10.2139/ssrn.686998
16. Heald, D. (2003). Fiscal Transparency: Concepts, Measurement and UK Practice. ***Public Administration***, 81(4), 723-759. Doi: 10.1111/j.0033-3298.2003.00369.x
17. Jacobsson, K., & Vifell, Å. (2003). Integration by Deliberation? On the Role of Committees in the Open Method of Coordination. Paper Presented at the Workshop on ***The Forging of Deliberative Supranationalism in the EU***, EUI, Florence, 7–8 February 2003.
18. Jones, C. (2023). Co-Governance and the Case for Shared Decision Making. ***Policy Quarterly***, 19(2), 3-8. Doi: 10.26686/pq.v19i2.8231
19. Lindstedt, C., & Naurin, D. (2010). Transparency is Not Enough: Making Transparency Effective in Reducing Corruption. ***International Political Science Review***, 31(3), 301-322. Doi: 10.1177/0192512110377602

20. MacCoun, R. J. (2006). Psychological Constraints on Transparency in Legal and Government Decision-Making. ***Swiss Political Science Review***, 12(3).

21. Marchevska, D. (2020). Participatory Governance in Ukraine: A Case Study of Anti-corruption Policy in the Period 2014–2018. ***Kyiv-Mohyla Law and Politics Journal***, 6, 107-137. Doi: 10.18523/kmlpj220768.2020-6.107-137

22. Olken, B. A. (2007). Monitoring Corruption: Evidence from a Field Experiment in Indonesia. ***Journal of Political Economy***, 115(2), 200-249. Doi: 10.3386/w11753

23. Stasavage, D. (2004). Open-Door or Closed-Door? Transparency in Domestic and International Bargaining. ***International Organization***, 58(4), 667-703. Doi: 10.1017/S0020818304040214

24. Sullivan, E.-M., Oellermann, C., & McIntyre, J.-L. (2025). Combating Cartel Behaviour in South Africa: Lessons Learned and the Case for Asset Forfeiture. ***Journal of Financial Crime***. 32(5), 1041-1058.

    Doi: 10.1108/JFC-09-2024-0288

Research Reports

25. Abed, G. T., & Davoodi, H. R. (2000). ***Corruption, Structural Reform, and Economic Performance in the Transition Economies***. Washington, D.C.: International Monetary Fund, First edition.

26. Cornwall, A. "Making a Difference? Gender and Participatory Development (IDS Discussion Paper No. 378)." Available at: http://www.ids.ac.uk/files/Dp378.pdf

27. Keefer, P. (2004). A Review of the Political Economy of Governance: From Property Rights to Voice. ***World Bank Policy Research Working Paper***.

28. Scharpf, F. W. (2005). ***No Exit from the Joint Decision Trap? Can German Federalism Reform Itself? MPIfG Working Paper***, No. 05/8, Max Planck Institute for the Study of Societies, Cologne.

- Websites

29. Die Welt, *System der Mitbestimmung lädt zu Korruption ein*, 29 March 2007, Available at: https://www.welt.de.